اسلام و پژوهش‌های تربیتی ـــــــــــــــ سال شانزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۶۹-۷۸
https://creativecommons.org/licenses /by-nc /4.0
doi 10.22034/eslampajoheshha.2024.2021692

مراحل تربیت از دیدگاه اسلامی

سیدعلی حسینی‌زاده / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
orcid.org/0000-0002-4856-0138 ali_hosseini@rihu.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

چکیده

یکی از عناصر مهم در نظام تربیت اسلامی مراحل تربیت است. مراحل تربیت زمینه‌ای است برای ارائه برنامه تربیتی به صورت تدریجی و بر اساس سیر رشد متربی و یا سیر دشواری محتوا و یا هر دو که به صورت منطقی ترسیم می‌شود تا هم مربی بتواند به راحتی محتوای تربیتی را برای متربیان ارائه کند و به سهولت به اهداف تربیتی خود دست یابد و هم متربیان بتوانند به سهولت محتوای تربیتی را دریافت کرده، به درجات عالی تربیتی دست یابند. مراحل تربیتی بر اساس مکاتب گوناگون تربیتی ممکن است متفاوت باشد. این مقاله مراحل تربیت اسلامی را با روش «توصیفی و تحلیلی» از متون اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم و روایات معصومان﵈ بررسی کرده و آن را در چهار دوره مهم و هشت مرحله ارائه کرده است. این دوره‌های چهارگانه عبارتند است: تمهید، تربیت، تقویت و حفاظت و مراحل هشت‌گانه آن عبارتند از: ۱. زمینه‌سازی، ۲. پرورش یا تربیت جسم، ۳. آموزش، ۴. پیشه‌وری، ۵. پرورش تفکر یا تعقل، ۶. تجربه، ۷. حمایت و تثبیت، ۸. حفاظت.

کلیدواژه‌ها: مراحل تربیت، تربیت اسلامی، تربیت در قرآن، تربیت در روایات.

مقدمه

مراحل تربیت از جمله عناصر تشکیل‌دهنده نظام تربیت اسلامی است که اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا هرچند اصول تربیتی درستی داشته باشیم و روش‌های مناسبی را در پیش گیریم، اما اگر روش‌ها با دوره‌ها و مراحل تربیت تناسبی نداشته باشند، به هدف نخواهیم رسید. مراحل تربیت را می توان بر اساس مراحل رشد ترسیم کرد. اما رشد گاه رشد زیستی و جسمی است و گاه روحی و معنوی.

پیشینه

باقری (۱۳۶۸) مراحل تربیت را بر اساس رشد معنوی و ایمانی ترسیم کرده و مراحل پنج‌گانه (تمهید، اسلام، ایمان، تقوا و یقین) را برای تربیت بیان نموده است. به نظر می‌رسد وی اخلاق و تربیت را در هم آمیخته و مراحل تربیت دینی و یا تربیت اخلاقی را بیان کرده است.

طرقی (۱۳۷۹) بر اساس رویکرد حدیثی، سه مرحله را برای تربیت بیان می‌کند: کودکی اول (۱-۷ سالگی)؛ کودکی دوم (۷-۱۴ سالگی)؛ کودکی سوم (۱۴-۲۱ سالگی).

مصباح یزدی (۱۳۹۱) مراحل تربیت را با توجه به چهار ملاک نیازهای منطقی بدن، رشد زیستی، اولویت‌های ساختاری و اولویت‌های محتوایی ترسیم کرده است. وی بر اساس ملاک رشد زیستی مراحل پنج‌گانه (تمهید، سیادت، اطاعت، وزارت و حمایت) را مطرح کرده است.

فرزند وحی و *حیدرنژاد* (۱۳۹۲) نیز تربیت فرزند را از دیدگاه اسلامی و روان‌شناسی در دو مرحله پیش از تولد (جنینی) پس از تولد (کودکی، نوجوانی و...) بررسی کرده‌اند.

اسلامی مهر و همکاران (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل مفهومی مراحل تربیت مبتنی بر دیدگاه اسلام و دلالت‌های تربیتی آن» به مراحله سه‌گانه مشهور به «سه هفت سال» پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد مراحل تربیت باید بر اساس مراحل رشد زیستی- روانی تنظیم شود؛ زیرا انسان در نگرش اسلامی تنها موجودی مادی و یا معنوی نیست، بلکه موجودی مادی- معنوی، زیستی-روانی و یا جسمی- روحی است و مراحل تربیت او را باید بر اساس مراحل رشد زیستی- روانی او تنظیم کرد.

۱. دوره‌های رشد از منظر قرآن کریم

۱-۱. مراحل رشد جسمی

قرآن کریم به طور کلی سه دوره را برای رشد بیان می‌کند: دوره ضعف، قوّت و ضعف (پیری):

«اللهُ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِیمُ الْقَدِیر» (روم:۵٤).

برخی مفسران مراد از «ضعف» و «قوّة» را اعم از جسمی و مادی و روحی و عقلی می‌دانند (ر.ک. قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۷۷۶). اطلاق آیه نیز مؤید این تفسیر است؛ زیرا قرآن این سه دوره را برای انسان در این دنیا بیان می کند و انسان در این دنیا ترکیبی از جسم و روح است (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷).

۱-۲. مراحل رشد رفتاری

همچنین قرآن کریم در آیه ۲۰ سوره حدید نیز مراحل پنج‌گانه‌ای را بر اساس ویژگی‌های طبیعت انسانی ترسیم کرده است:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ» (حدید:۲۰).

علامه طباطبائی می‌فرماید: «لعب» کار منظمی است که هدفی خیالی داشه باشد؛ مانند بازی کودکان. «لهو» چیزی است که انسان را از هدف اصلی و مهم بازمی‌دارد. «زینت» ضمیمه کردن چیز مرغوب با نامرغوب است تا از طریق جمالی که ایجاد می‌کند، در دیگران رغبت ایجاد نماید. «تفاخر» مباهات با حسب و نسب، و «تکاثر» مباهات با مال و فرزند است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۶۴).

مراحل سه‌گانه رشدی که در آیه پیشین مطرح شد مراحل رشد جسمی بود. اما مراحل پنج گانه آیه فوق مراحل رشد رفتاری و هدفی است که پشت رفتارهای انسانی نهفته و البته هر دو دسته مراحل رشد مادی به نظر می‌رسند.

از *شیخ بهائی* نقل شده است که در کودکی لعب و بازی، در بلوغ لهو و مشغولیت‌ها، در جوانی زینت در میانسالی تفاخر و در پیری افزون‌طلبی در مال و اولاد محقق می‌شود (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص۳۱).

مکارم شیرازی نیز نقل می‌کند که برخی معتقدند: هر یک از این مراحل ۸ سال طول می‌کشد و در مجموع، به ۴۰ سال می‌رسد و بعد از آن شخصیت انسان تثبیت می‌شود، البته بر حسب اینکه شخصیت فرد در کدام‌یک از این مراحل متوقف گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۲۵۲-۲۵۳).

گفتنی است که این مراحل گویای آن است که به طور طبیعی انسان‌ها سیر مراحل رشد رفتارشان با این اهداف صورت می‌گیرد؛ اما همواره مطلوب نخواهد بود و گاه باید با طبع مبارزه کرد و ازاین‌رو اگر انسان‌ها به درستی تربیت شوند این‌گونه نخواهند بود و رفتارهای آنها بر اساس اهداف مطلوب متفاوت خواهد شد.

بنابراین با توجه به توضیحات و تطبیقات مفسران می‌توان گفت: قرآن کریم دست‌کم چهار مرحله رشد (کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی) را می‌پذیرد و گرچه ویژگی‌های این مراحل به صورت طبیعی است، ولی هر گونه رفتار و اهداف تربیتی لازم، باید تا حدی با این سیر طبیعی همراهی کند و باید به صورت تدریجی و با آگاهی‌بخشی و برنامه‌ریزی دقیق این طبیعت را تغییر داد. بی‌توجهی به این سیر طبیعی ممکن است به تعارض و عدم موفقیت منجر شود.

۱-۳. مراحل رشد در دوره اول تا سوم

از سوی دیگر قرآن کریم در سوره حج برخی مراحل رشد در دوره اول تا سوم را بیان می‌کند:

۱. «طفولیت» که اولین مرحله دوره ضعف اول است.

۲. «ارذل العمر» که آخرین مرحله دوره ضعف دوم یا پیری است.

۳. مرحله «اشُد» که دوره جوانی است.

« ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنكُم مَن يُتَوَفَّى وَ مِنكُم مَن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلاَ يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا» (حج:۵).

البته می‌توان طفولیت در این آیه را شامل کودکی و نوجوانی هم دانست. این آیه در دوره قوّت که شامل جوانی و میانسالی و حتی کهنسالی است، تنها مرحله جوانی یا «اشد» را بیان می‌کند؛ چنان که مفسران مراد از «اشد» را کمال عقل و یا احتلام و بلوغ گفته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۹۲).

علامه طباطبائی نیز می‌فرماید: مراد اشتداد اعضا و قواست (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۴۴) که همان بلوغ تا ۴۰ سالگی است؛ چنان که برخی دیگر نیز همین را گفته‌اند (ر.ک. کاشانی، ۱۳۳۶، ج۶ ص۱۲۶).

همچنین درباره دوره ضعف دوم مرحله آخر را که «ارذل العمر» است و اشاره به دوره فرتوتی دارد، بیان می‌کند که انسان در آن، نه تنها قوّت و قدرتی ندارد، بلکه مشاعر و علم خود را نیز از دست خواهد داد.

۱-۴. مراحل شش‌گانه رشد انسانی

در سوره غافر مراحل شش‌گانه‌ای را برای رشد انسانی بیان می‌کند که عبارتند از: خاک، نطفه، علقه، طفل، رشد یا قوّت، و پیری:

«هُوَ الَّذِی خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنكُم مَّن يُتَوَفَّى مِن قَبْلُ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلاً مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (غافر:٦٧).

مرحله «خاک یا گل» ممکن است مربوط به خلقت حضرت آدم باشد که در این صورت ما با آن کاری نداریم. اما ممکن است این مرحله مربوط به همه انسان‌ها باشد؛ چنان که فرمود: «خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ» که ضمیر «کم» متوجه همه انسان‌هاست، نه حضرت آدم. بنابراین ممکن است اشاره به تغذیه انسان از زمین باشد که در این صورت، مرحله قبل از شکل‌گیری انسان است؛ یعنی غذایی که والدین می‌خورند از زمین است؛ یعنی گیاهی که از خاک تغذیه می‌کند و حیوان نیز از گیاه و انسان نیز از هر دوی آنها تغذیه می‌کند؛ چنان‌که در آیه ۵ سوره حج به دنبال خلقت انسان، خلقت گیاه از زمین را مثال می‌زند: «يَاأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاء اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (حج:۵)، ولی این مرحله هنوز پیش از وجود متربی است که آن را مرحله «تمهید» می‌نامیم.

اما مرحله دوم «نطفه» و مرحله سوم «علقه» است که موجود انسانی به جایی می‌رسد که قابلیت دمیده شدن روح را در خود می‌یابد. مرحله بعد «تولد و طفل» است و مرحله بعد نیز «جوانی» و قوّت و قدرت و مرحله آخر نیز «پیری» است. اینها همه مراحل رشد و نمو جسمی انسان است.

البته در ضمن این مراحل در آیات دیگر، مراحل دیگری را نیز بیان می‌کند که آنها فاصله چندانی ندارند و در تربیت نیز تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کنند؛ مانند مضغه، عظام و لحم:

«ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون:١٤).

اما مرحله «دمیده شدن روح» مرحله مهمی است که در این آیه با لفظ «انشاء» بیان شده و نشان‌دهنده آن است که این مرحله با مراحل پیشین که خلق جسم بود، متفاوت است.

۱-۵. مراحل چهارگانه

در سوره احقاف چهار دوره «حمل»، «رضاع»، «اَشُد» یا بلوغ عقلی و «اربعین» (چهل سالگی) یا میانسالی را مطرح می‌کند؛ چنان‌که می‌فرماید:

«وَ وَصَّيْنَا الإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلاَثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (أحقاف:١٥).

از این مراحل، دو مرحله مربوط به دوره ضعف است (حمل و فصال) و دو مرحله آن نیز مربوط به دوره قوّت است (جوانی و میانسالی).

همچنین این آیه دوره شیر را حدود دو سال بیان می‌کند؛ چنان که در سوره بقره نیز کمال شیر را دو سال بیان می‌نماید:

«وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلاَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره:٢٣٣).

بنابراین با توجه به مجموع آیاتی که ذکر شد، می‌توان گفت: قرآن کریم مراحل رشد انسانی را به سه دوره «ضعف»، «قوّت» و «ضعف» تقسیم می کند و دوره اول را به چهار مرحله «نطفه»، «حمل»، «روح» و «طفل» یا شیرخوارگی تقسیم می‌نماید و برای دوره دوم، سه مرحله «حُلُم»، جوانی یا «اشد» و «اربعین» یا میانسالی را برمی‌شمرد، و برای دوره سوم نیز دو مرحله را بیان می‌دارد که عبارتند از «ضعف» و پیری و «شیبه» و فرتوتی.

بنابراین تمام مراحلی که قرآن از آنها نام می‌برد عبارتند از: ۱. خاک و گل یا زمینه‌سازی؛ ۲. نطفه؛ ۳. حمل؛ ۴. طفولیت یا شیرخوارگی؛ ۵. حُلُم یا نوجوانی؛ ۶. أشُد یا جوانی؛ ۷. میانسالی؛ ۸. پیری؛ ۹. فرتوتی.

بنابراین سیر رشد انسان را می‌توان به چهار دوره کلی (زمینه‌سازی، ضعف اول، قوّت و ضعف دوم) تقسیم کرد و هر یک از این دوره‌ها را به چند مرحله تقسیم و آنها را به این صورت ترسیم نمود:

الف) دوره تمهید: ۱. خاک و گل؛ ۲. نطفه؛

ب) دوره ضعف اول: ۳. حمل؛ ۴. شیر؛ ۵. نوجوانی؛

ج) دوره قوّت: ۶. جوانی؛ ۷. میانسالی؛

د) ضعف دوم: ۸. پیری، ۹. فرتوتی.

اما آنچه به لحاظ تربیتی در این دوران چهارگانه مهم است دوره اول است که دوره زمینه‌سازی یا «تمهید» گفته شد و دوره دوم که در حدود بیست سال اول زندگی را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین دوران تربیت تلقی می‌شود.

۲. دوره‌های تربیت از منظر روایات

۲-۱. دوره اول

درباره دوره اول آنچه در روایات مطرح است دو مسئله است:

یک. انتخاب همسر؛ که با آن بسیاری از مقدمات تربیت فرزند جهت می‌یابد: «تَزَوَّجُوا فِی الْحُجْزِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاس»؛ با خانواده‌های صالح ازدواج کنید؛ زیرا رگ و ریشه [در فرزند] مؤثر است (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷) و نیز: «اخْتَارُوا لِنُطَفِكُمْ، فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الضَّجِيعَيْن»؛ برای نطفه‌های خود گزینش کنید؛ زیرا دایی یکی از مؤثران [در فرزند] است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲).

دو. رعایت آداب مباشرت.

این دو به‌منزله زمینه‌سازی در تربیت فرزند به شمار می‌روند.

۲-۲. دوره دوم

اما دوره دوم که قریب بیست سال به طور می‌انجامد، شامل چند دوره است:

یکم. دوره حمل؛ که دوره مراقبت از جنین است و باید، هم به لحاظ تغذیه از حیث سلامت و کفایت توجه شود و هم به لحاظ حلّیت آن.

دوم. درباره دوره دوم در روایات اسلامی به دو دسته روایت برمی‌خوریم که برخی جنبه توصیف و بیان ویژگی‌های هستی‌شناختی انسان را دارند؛ مانند:

«الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرُ سَبْعَ سِنِينَ؛ فَإِنْ رَضِيتَ أَخْلَاقَهُ لِإِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ إِلاَّ فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْذَرْتَ إِلَى اللهِ تَعَالَى (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲).

برخی دیگر هم جنبه توصیه و بیان رهنمودهای تربیتی را دارند؛ مانند:

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبْ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعاً وَ الْزِمْهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ؛ فَإِنْ فَلَحَ وَ إِلاَّ فَلاَ خَيْرَ فِيه» (همان، ص ۲۲۲).

۲-۳. تبیین هماهنگی روایات

روایات دسته دوم با روایات دسته اول هماهنگ و متناظرند؛ زیرا کسی که آقا و سرور است دستور می‌دهد و پذیرش چندانی ندارد. اما کسی که مطیع است دستورات تربیتی را اجرا می‌کند و می‌آموزد و کسی که در مرحله وزارت قرار دارد، هم مسئولیت را می‌پذیرد و هم مشاوره می‌دهد؛ هم استقلال‌خواه است و هم مشورت و کمک دیگران را می‌پذیرد.

هر دو دسته روایات سه دوره هفت ساله را بیان می‌کنند، با این تفاوت که برخی روایات سه دوره شش ساله، و یا دو دوره شش ساله و یک دوره هفت ساله را مطرح می‌کنند که این اختلاف روایات را می‌توان بر اختلاف افراد حمل کرد؛ زیرا همه کودکان دقیقاً یکسان نیستند و با هم تفاوت‌هایی دارند؛ ولی همگی، این سه دوره کلی را طی می‌کنند و از این لحاظ یکسان هستند و البته اگر در موارد استثنایی اینچنین نیستند، مهم نیست؛ زیرا روایات جنبه غالبی را در نظر دارند و می‌گویند غالب کودکان این‌گونه‌اند.

همچنین در الفاظ روایات اختلافاتی نظیر «یربی»، یا «یؤدب» یا برخی «دع» نیز وجود دارد که اینها اختلاف در تعبیر است و در مفهوم کلی روایات تغییر ایجاد نمی‌کنند، گرچه ممکن است به لحاظ جزئی از هریک از این تعبیرات نکات خاصی هم مد نظر بوده باشد.

بنابراین، می توان گفت: این دو دسته روایت تبیین‌کننده دوران تربیت در قرآن‌اند و سه مرحله هفت‌ساله از مراحل تربیت در دوره اول را بیان می‌نمایند.

آنچه در روایات دسته اول بیان شده این است که ویژگی این سه مرحله را بیان کرده که در مرحله اول کودک سید و سرور است و در مرحله دوم عبد و مطیع و در مرحله سوم وزیر و کمک‌کار و مشاور.

در روایات دسته دوم متناسب با این سه ویژگی سه وظیفه نیز نسبت به والدین بیان شده است که می‌توان از آنها سه مرحله تربیتی را استنباط کرد: اولی وظیفه آزاد گذاردن برای بازی؛ دومی وظیفه تأدیب و آموزش؛ زیرا در این مرحله کودک اطاعت‌پذیر است و هر چه به او آموزش داده شود و یا هر امر و نهیی که نسبت به او داشته باشیم، می‌پذیرد؛ و سومی وظیفه پیشه‌آموزی و شغل و همراهی و ملازمت است. در این مرحله کودک از قدرت جسمی و بدنی لازم برخوردار است و می‌تواند شغل و پیشه‌ای را بیاموزد.

نامگذاری این سه دوره را، هم می‌توان متناسب با ویژگی کودک در این سه دوره انجام داد و هم می‌توان با توجه به وظیفه والدین صورت داد که البته با توجه به اینکه مراحل تربیت را نامگذاری می‌کنیم، بهتر است که این نامگذاری بر اساس وظیفه تربیتی والدین نیز صورت گیرد، اما آنچه برخی انجام داده‌اند بر اساس ویژگی کودکان انجام شده است؛ چنان که این سه دوره را به دوره «سیادت» یا بازی، دوره «اطاعت» و دوره «وزارت» نامگذاری کرده‌اند (ر.ک. قائمی مقدم، ۱۳۹۴؛ نیز ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

این سه مرحله را با توجه به وظیفه والدین نامگذاری می‌کنیم؛ زیرا نامگذاری مربوط به مراحل تربیت است، نه رشد کودک. پس باید متناسب با وظیفه تربیتی والدین نیز نامگذاری شوند. ازاین‌رو این سه مرحله را به بازی یا «پرورش»، «آموزش» و «پیشه‌آموزی» نامگذاری کنیم، مناسب‌تر است؛ زیرا بازی در پرورش جسمی کودک نقش دارد و آموزش در ادب و تربیت کودک تأثیر دارد و ملازمت پدر با فرزند نیز در پیشه‌آموزی او اثرگذار است؛ چنان‌که برخی روایات نیز مرحله سوم را به آموزش پیشه اختصاص داده است.

این سه مرحله از مهم‌ترین مراحل تربیت در اسلام تلقی می‌شوند. اما پیش از آن نیز مرحله تمهید یا زمینه‌سازی مطرح است که شامل انتخاب همسر، تشکیل نطفه و دوران حمل است.

مرحله پس از آن در روایات مرحله «رشد عقل» نامگذاری شده است که تا ۲۸ سالگی ادامه دارد؛ چنان که در روایتی آمده است. البته در روایات دو نوع عقل مطرح است: عقل طبیعی و عقل تجربی که اوّلی نهایت رشد آن تا ۲۸ سالگی است و دومی تا ۴۰ سالگی و گاه تا ۵۰ و ۶۰ سالگی ادامه دارد؛ چنان‌که در روایتی از امیرالمؤمنین ﷺ وارد شده است:

«يُرَبَّى الصَّبِيُّ سَبْعاً وَ يُؤَدَّبُ سَبْعاً وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعاً وَ مُنْتَهَى طُولِهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ سَنَةً وَ عَقْلِهِ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالتَّجَارِبِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۳)؛

کودک هفت سال تربیت می‌شود و هفت سال ادب می‌آموزد و هفت سال به کار گرفته می‌شود و منتهای رشد قد او ۲۳ سالگی و منتهای رشد عقل او ۳۵ سالگی است و آنچه پس از آن حاصل می‌شود تجربه است. بنابراین در این روایت دو مرحله برای دوره دوم بیان می‌شود: مرحله کمال عقل و مرحله تجارب.

دوره بعدی به لحاظ رشد دوره پیری است و پس از آن نیز دوره فرتوتی است که انسان – حتی– مشاعر خود را نیز از دست می‌دهد. آنچه درباره این دو دوره در روایات آمده این است که در دوره پیری انسان رو به ضعف و کاهش قوا و دستاوردهای گذشته دارد، تا جایی که اگر انسان به فرتوتی رسید قوای خود را بکلی از دست خواهد داد، به گونه‌ای که نه توان تأمین نیازهای خود را دارد و نه حتی گاهی توان درخواست نیاز. تعبیر قرآن کریم این است که هیچ چیز از علوم خود را نمی‌داند و همه آنها را فراموش می‌کند:

«وَ مِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلاَ يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا» (حج:۵).

این دو دوره را به لحاظ تربیتی می‌توان دوره «حمایت» و دوره «حفاظت» نامید؛ یعنی مربی باید در دوره پیری از متربی خود حمایت کند و در دوره فرتوتی باید از او حفاظت نماید؛ چنان که در دوره کودکی چنین می‌کرد.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه ذکر شد، می‌توان مراحل تربیت را با استفاده از آیات و روایات به صورت زیر مطرح کرد: ۱. «تمهید» پیش از تولد؛ ۲. پرورش یا تربیت جسم (۰–۷ سالگی)؛ ۳. آموزش سواد و قرآن و آداب و اخلاق (۷–۱۴ سالگی)؛ ۴. تربیت پیشه یا شغل (۱۴–۲۱ سالگی)؛ ۵. پرورش تفکر یا تعقل (۲۱–۲۸ سالگی)؛ ۶. آموزش تجارب یا تجربه‌اندوزی (۲۸–۶۰ سالگی)؛ ۷. حمایت و تثبیت (۶۰–۸۰ سالگی)؛ ۸. حفاظت (۸۰ سالگی به بعد).

این مراحل گویای آن است که مربیان و والدین باید در دوران پیش از تولد به فراهم آوردن زمینه‌های مثبت برای تربیت فرزند اقدام کنند. در مرحله پرورش بیشتر در رشد جسمی فرزندان بکوشند و بیشتر آزاد و رها باشند تا بازی کنند و نباید چندان به آموزش و تربیت آنها پرداخت. در مرحله سوم به آموزش فرزندان – اعم از آموزش خواندن و نوشتن، قرآن و آداب و اخلاق– بپردازند. در مرحله چهارم باید بیشتر در تربیت و پرورش شغلی و پیشه فرزندان همت بگمارند. در مرحله پنجم در پرورش تفکر و تعقل آنان بکوشند که البته از این پس تربیت بر عهده خود متربی خواهد بود. در مرحله ششم متربی برای افزایش تجارب خود اقدام کند. در مرحله هفتم به تثبیت آموزه‌ها و تجارب خویش بپردازد و

در حفظ آنها بکوشد و البته همسر و فرزندان نیز باید از او پشتیبانی کنند. در مرحله هشتم که از دست دادن دستاوردهاست، مربیان و مرتبطان با متربی باید رفتاری درخور با او داشته باشند و به حفاظت آنها بپردازند.

نکته مهم در این مراحل آن است که از مرحله چهارم به بعد و تا پیش از مرحله آخر، نقش خود فرد در تربیت برجسته است و خود باید بیشتر همت بگمارد تا به خوبی تربیت شود و رشد و نمو کند. اما در سه مرحله اول و مرحله آخر نقش مربی برجسته است و باید به آموزش و تربیت و حفاظت از متربیان همت بگمارد.

باید توجه داشت که اختصاص هر یک از این مراحل به یک عنوان خاص به معنای آن است که جنبه غالب در هر یک از این مراحل، این موضوع خاص است و بیشتر باید به آن پرداخت، نه به آن معنا که در هر یک از این مراحل نمی‌توان به امور مراحل دیگر پرداخت.

آنچه در این مراحل نمودار است این است که تربیت و آموزش بیشتر مربوط به همان سه مرحله اول است که به تعبیر قرآن دوره اول است و از نظر قرآن به دوره «ضعف» مشهور است که در آن باید ضعف‌های مادی و معنوی و جسمی و روحی انسان برطرف شود.

اما دوره دوم که از نظر قرآن به دوره «قوّت» مشهور است و قریب ۴۰ سال به طول می‌انجامد، تنها عقل و تجارب انسان افزایش می‌یابد و در دوره سوم قوای مادی و معنوی انسان رو به ضعف می‌گراید؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق﵇ آمده است که از ۶۰ سالگی به بعد قوای انسانی، به‌ویژه قوای جسمی و عقلی تحلیل می‌رود:

«يَزِيدُ عَقْلُ الرَّجُلِ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ إِلَى خَمْسِينَ وَ سِتِّينَ، ثُمَّ يَنْقُصُ عَقْلُهُ بَعْدَ ذَلِک» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۴۴).

منابع

اسلامی مهر، یعقوب و همکاران، ۱۳۹۹، «طراحی مدل مفهومی" مراحل تربیت مبتنی بر دیدگاه اسلام" و دلالت‌های تربیتی آن (استراتژی تئوری داده بنیاد متنی)»، ***پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی***، ش ۴۶، ص ۱۹۹-۲۲۰.

باقری، خسرو، ۱۳۶۸، ***نگاهی دوباره به تربیت اسلامی***، تهران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، ***من لا یحضره الفقیه***، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، حسن‌بن فضل، ۱۳۷۰، ***مکارم الاخلاق***، قم، الشریف الرضی.

طرقی، مجید، ۱۳۷۹، ***مراحل و روشهای تربیت از دیدگاه اسلام***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فرزند وحی، جمال و طاهره حیدرنژاد، ۱۳۹۲، «مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، سنت و علم روانشناسی»، ***حسنا***، ش ۱۷، ص ۱۰۱-۱۲۳.

قائمی‌مقدم، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی»، ***روان‌شناسی و دین***، ش ۴، ص ۲۳-۴۳.

قرشی‌نایی، علی‌اکبر، ۱۳۷۵، ***تفسیر أحسن الحدیث***، تهران، بنیاد بعثت.

قطب، سیدمحمد، ۱۴۲۵ق، ***فی ظلال القرآن***، بیروت، دار الشروق.

کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶، ***منهج ا لصادقین فی الزام المخالفین***، تهران، علمی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، ***الکافی***، تهران، اسلامیه.

مصباح‌یزدی، محمد تقی و همکاران، ۱۳۹۱، ***فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی***، تهران، مدرسه.

مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، ***الاختصاص***، قم، الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

مکارم‌شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ***تفسیر نمونه***، تهران، دارالکتب الاسلامیه.